

فرزندان امام کاظم 7

احمد خامه یار

چکیده

حضرت امام کاظم 7 دارای فرزندان پسر و دختر فراوانی بوده‌اند که اطلاعات چندانی از بیشتر آن‌ها در دست نیست. در منابع و کتب تراجم ائمه :، در تعداد و اسامی این فرزندان اختلاف نظر وجود دارد و شمار آن‌ها بین سی تا شصت فرزند تعیین شده است. در این نوشتار، ابتدا بر اساس منابع درجه یک تاریخ و مناقب ائمه :، نظیر ارشاد شیخ مفید، اعلام‌الوری شیخ طبرسی، الهدایه‌الکبری خصیبه، دلائل‌الامامه طبری، مناقب ابن شهر آشوب، تاریخ ابن خشاب و تذکره‌الخواص سبط‌ابن جوزی، و نیز کتب انساب نظیر لباب‌الانساب بیهقی، شجره‌المبارکه فخر رازی و عمده‌الطالب ابن‌عنه، اسامی فرزندان امام کاظم 7 و موارد اختلاف میان این منابع استخراج شده است. هم‌چنین کوشیده تا آگاهی‌های پراکنده موجود درباره برخی فرزندان آن حضرت، از سایر منابع معتبر استخراج گردد.

واژگان کلیدی: امام کاظم 7 فرزندان ائمه :، مناقب تاریخ ائمه :، کتب انساب.

مقدمه

دوران امامت امام کاظم 7 که از سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ قمری به طول انجامید، هم‌زمان با خلافت چهار تن از خلفای بنی‌عباس - از منصور دوانیقی تا هارون الرشید - بود. در طول این مدت، امام کاظم 7 مدت کوتاهی را در دوره مهدی عباسی (حک ۱۵۸ - ۱۶۹ق) و چند سال پایانی عمر خویش را به دستور هارون در زندان گذراندند و سرانجام نیز در زندان مسموم شدند و به شهادت رسیدند.

با این حال، حضرت در طول سال‌هایی از عمر شریف خود که در خارج از زندان سپری کردند، از زنان خود که بیش‌تر ام‌ولد بودند، دارای فرزندان فراوانی شدند که در واقع تعداد فرزندان این امام بزرگوار، بیش‌تر از تعداد فرزندان سایر ائمه است. اما به علت خفقان سیاسی شدیدی که حضرت در آن به سر می‌بردند، شرح حال بیش‌تر این فرزندان به طور کامل ناشناخته مانده است و درباره سایر فرزندان آن حضرت نیز آگاهی‌های محدود و پراکنده‌ای در منابع تاریخی وجود دارد.

در این نوشتار، اسامی فرزندان امام کاظم 7 بر اساس منابع معتبر و دست‌اول تاریخی و مناقب ائمه : تا قرن هفتم قمری و هم‌چنین برخی کتب انساب که اسامی فرزندان امام را نام برده‌اند، به ترتیب حروف الفبا استخراج شده و موارد اختلاف میان این منابع ذکر گردیده است. به منظور اختصار و عدم درج عنوان کامل منابع در هر ارجاع، تنها شهرت اصلی یا بخشی از شهرت نویسنده آن آورده می‌شود. منابع مورد بررسی عبارتند از:

الهدایه الکبری نویسنده حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۳۴ یا ۳۵۸ ق) (اختصار: خصیبی)؛ دلائل الامامه منسوب به طبری شیعی (سده پنجم ق) (اختصار: طبری)؛ ارشاد شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) (اختصار: شیخ مفید)؛ المجدی نوشته عُمَری نَسابه (م ۴۶۶ ق) (اختصار: عُمَری)؛ تاریخ اهل البیت نویسنده ناشناخته (اختصار:

تاریخ؛ اعلام‌الوری نوشته شیخ طبرسی (م ۵۴۸ق) (اختصار: طبرسی)،
باب‌الانساب بیهقی (م ۵۶۵ق) (اختصار: بیهقی)؛ تاریخ‌الائمہ نوشته ابن‌خشاب
(م ۵۶۷ق) (اختصار: ابن‌خشاب)؛ مناقب آل ابی‌طالب نوشته ابن‌شهر آشوب
(م ۵۸۸ق) (اختصار: ابن‌شهر آشوب)؛ شجره‌المبارکه منسوب به فخرالدین رازی
(م ۶۰۶ق) (اختصار: رازی) و تذکره‌الخواص سبط‌ابن‌جوزی (م ۶۵۴ق) (اختصار:
سبط ابن‌جوزی).

هم‌چنین تلاش شده تا حد امکان آگاهی‌های پراکنده موجود درباره شماری از
فرزندان، از سایر منابع تاریخی و حدیثی دست‌اول و معتبر - تا حدود قرن هفتم
هجری - گردآوری شود و از درج آگاهی‌های موجود در منابع متأخر - که
سخت‌تر می‌توان بدان اعتماد کرد - پرهیز گردد.

گفتنی است که در منابع تاریخ و تراجم ائمه^۱، در تعداد فرزندان امام
کاظم ۷ اختلاف نظر وجود دارد؛ به گونه‌ای که از حدود سی تا شصت فرزند
گفته شده است. شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶) ۳۷ فرزند، ابونصر بخاری
(ص ۵۳) و سبط‌ابن‌جوزی (ص ۳۱۴) چهل فرزند و ابن‌عنه شصت فرزند
(ص ۲۴۰) برای امام کاظم ۷ شمرده‌اند. به نوشته ابن‌شهر آشوب (۴/۳۴۹) نیز آن
حضرت سی و به قولی ۳۷ فرزند داشته، اما خود از چهل فرزند نام برده است.
نویسنده‌المجدی (ص ۲۹۸) نیز فرزندان ایشان را ۵۹ تن (به جز کودکان) دانسته
است. هم‌چنین در الهدایه خصیبی (ص ۲۶۳ - ۲۶۴) از ۳۱ فرزند، در تاریخ
اهل‌البیت (ص ۱۰۶ - ۱۰۸) از ۳۳ و در دلائل‌الامامه (ص ۱۴۷) از ۳۹ فرزند نام
برده شده است.

در این‌جا، به قول شیخ مفید درباره فرزندان امام کاظم ۷ اشاره می‌شود که
گفته است: «ولکل واحد من ولد ابی‌الحسن موسی بن جعفر ۸ فضل و منقبه
مشهوره».^۱

۱. نک: الارشاد فی معرفه حجج‌الله علی‌العباد، ج ۲، ص ۲۴۶.

فرزندان پسر

در منابع مختلف، آمار متفاوتی از تعداد پسران امام کاظم ذکر شده است. ابونصر بخاری (ص ۵۳)، شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶) برای آن حضرت هیجده پسر، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۴) بیست، عُمری (ص ۲۹۸) بیست و دو و ابن عنبه (ص ۲۴۰) بیست و سه پسر قائل شده‌اند. ابن شهر آشوب (۴/۳۴۹) نیز تعداد پسران را هیجده گفته اما از بیست پسر نام برده است. در الهدایه خصیبه (ص ۲۶۳ - ۲۶۴) شانزده، در دلائل الامامه (ص ۱۴۷) و در تاریخ اهل البیت (ص ۱۰۶ - ۱۰۷) هیجده و در شجره المبارکه (ص ۷۷) بیست و پنج پسر نام برده شده است.

اسامی پسران در منابع بررسی شده در این پژوهش، عبارتند از:

۱. حضرت علی بن موسی الرضا 7

۲. ابراهیم

در کتب تاریخ و تراجم ائمه، تنها از يك فرزند به نام ابراهیم یاد شده، در حالی که تعدادی از منابع انساب^۱ از دو فرزند به نام ابراهیم، یکی ابراهیم اکبر و دیگری ابراهیم اصغر یاد کرده‌اند. علمای انساب در این که ابراهیم اکبر کسی بود که در یمن خروج کرد و مردم را به خود فراخواند، اتفاق نظر دارند. برخی کتب انساب با لقب «مرتضی» یاد کرده‌اند، اما در کتب دیگر، این لقب برای ابراهیم اکبر ذکر شده است^۲ و به طور کلی در منابع، در کاربرد این لقب برای ابراهیم

۱. سهل بن عبدالله، ابونصر بخاری، سر السلسله العلویه، ص ۵۴؛ محمد بن عمر، فخرالدین رازی، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص ۷۷ و ۹۸-۹۹؛ احمد بن علی، ابن عنبه، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۲۴۵؛ سید جعفر، الاعرجی، مناهل الضرب فی انساب العرب، ص ۴۲۷.

۲. نک: فخر رازی، ص ۹۸؛ ابن عنبه، همان، ص ۲۴۵.

اکبر یا اصغر اضطراب وجود دارد.

به نوشته شیخ مفید، ابراهیم بن موسی ۷ سخی و شجاع و کریم بود.^۱ ابونصر بخاری آشکارا از او با عنوان «یکی از امامان زیدیه» یاد کرده است.^۲ به گفته شیخ مفید، او در دوران مأمون، از سوی محمد بن محمد بن زید بن امام زین العابدین ۷ - که ابوالسرایا در کوفه با او بیعت کرد - به امارت یمن منصوب شد. پس به یمن رفت و آنجا را فتح کرد و مدتی در آنجا اقامت نمود؛ پس از وقایعی که برای ابوالسرایا اتفاق افتاد، برای او از مأمون امان گرفتند.^۳

به نوشته شجره المبارکه، او در یمن خروج نمود و مردم را به محمد بن ابراهیم طباطبا دعوت کرد. اما بعداً مردم را به خود فراخواند و در سال ۲۰۲ قمری که مأمون در خراسان بود، با مردم حج گزارد. مأمون حمویه بن علی را به سوی او فرستاد. ابراهیم شکست خورد و به عراق رفت. مأمون به او امان داد تا این که در بغداد درگذشت.^۴

ابن اثیر در این باره می نویسد:^۵

فی هذه السنه [۲۰۰] ظهر ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد وکان بمکه، فلما بلغه خبر ابی السرایا و ما کان منه سار الی الیمن وبها اسحاق بن موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس عاملاً للمأمون، فلما بلغه قرب ابراهیم من صنعاء سار منها نحو مکه فأتی المشاش فعسکر بها واجتمع بها إلیه جماعه من أهل مکه هربوا من العلویین، واستولی ابراهیم علی الیمن وکان یسمى الجزار لکثره من قتل بالیمن من الناس وسبی وأخذ الاموال.

-
۱. شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۲۴۵.
 ۲. ابونصر بخاری، همان، ص ۵۴.
 ۳. شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۲۴۶.
 ۴. فخر رازی، همان، ص ۹۸.
 ۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۴۲۲.

علمای انساب، ابراهیم اکبر را در زمره آن دسته از فرزندان امام کاظم 7 برشمرده‌اند. که در اعقاب آن‌ها اختلاف و تردید وجود دارد.^۱ به گفته برخی از نسب‌شناسان، نامبرده در بغداد وفات نمود و در مقابر قریش در کنار پدر بزرگوار خود به خاک سپرده شد.^۲ سیدجعفر اعرجی (م ۱۳۳۲ ق) معتقد است، قبری که عوام مردم به عنوان قبر سیدمرتضی علم‌الهدی در کاظمین زیارت می‌کنند، در واقع قبر ابراهیم اکبر، ملقب به «مرتضی»، فرزند امام کاظم 7 است؛ زیرا جنازه سید مرتضی به اجماع علما، به کربلا منتقل و در کنار پدر و برادرش، سید رضی، به خاک سپرده شده است.^۳

۳. ابراهیم اصغر

تعدادی از علمای انساب، علاوه بر ابراهیم اکبر، برای امام هفتم فرزند دیگری نیز به نام ابراهیم اصغر یاد کرده‌اند^۴ و حتی بیهقی^۵ وی را جزو فرزندان دانسته که در وجود آن‌ها شکی نیست. به گفته ابن‌عنه، مادرش «ام ولد» اصالتاً از منطقه نوبه (در جنوب مصر) به نام نجیه بوده است.^۶ ابراهیم اصغر به اجماع علمای انساب از فرزندان امام کاظم 7 بود که نسلی از آن‌ها باقی ماند و این یکی از وجوه تمایز وی با ابراهیم اکبر است. نویسنده شجره المبارکه در این باره می‌نویسد:^۷

و من الناس من يلحق اولاد ابراهيم الاصغر بابراهيم الاكبر، و ذلك خطأ عظیم،

۱. فخر رازی، همان، ص ۷۷ و ۹۸؛ ابن‌عنه، همان، ص ۲۴۰.

۲. الاعرجی، همان، ص ۴۲۷.

۳. همان.

۴. فخر رازی، همان، ص ۷۷؛ ابن‌عنه، همان، ص ۲۴۰؛ الاعرجی، همان، ص ۴۲۷.

۵. علی بن ابی‌القاسم، بیهقی، باب الانساب والالقب والاعقاب، ص ۳۹۴.

۶. ابن‌عنه، همان، ص ۲۴۵.

۷. فخر رازی، همان، ص ۹۹.

لأنه يوجب الطعن في نسب اولئك السادات الاكابر، وأيضاً فإلحاق اولئك السادات بابراهيم الاكبر يوجب قطعهم عن ابراهيم الاصغر، وحيثذ يصير نسب ابراهيم الاصغر مطعوناً، وهو باطل بالاجماع.

ابراهيم اصغر از دو فرزند خود موسی ابی سبحة و جعفر، دارای نسل بود و سیدرضی و سیدمرتضی، دو عالم بزرگ شیعه، از احفاد موسی ابی سبحة بوده‌اند. به اعتقاد سیدجعفر اعرجی او در جانب شرقی بغداد درگذشته و در قبرستان «باب ابرز» (؟) به خاک سپرده شده است.^۱

۴. احمد

به جز بیهقی سایر منابع از او نام برده‌اند. شیخ مفید (۲/۲۴۴)، طبری (۲/۳۶) و ابن شهر آشوب (۴/۳۴۹)، احمد و محمد و حمزه را از يك امولد دانسته‌اند؛ اما طبری (۱۴۷) او را با چند تن دیگر از فرزندان امام از يك مادر دانسته است. درباره احمدبن موسی ۷ آگاهی‌های زیادی در منابع معتبر و کتب انساب وجود ندارد. تنها شیخ مفید درباره او نوشته است:

احمدبن موسی ۷ مردی کریم، جلیل و باتقوا بود. ابوالحسن موسی ۷ او را دوست می‌داشت و [بر دیگران] مقدم می‌ساخت و مزرعه خود را که به «یسیره» معروف بود، به وی بخشید. گفته می‌شود که احمدبن موسی ۷ هزار بنده آزاد نمود.^۲

او در ادامه، روایتی را از اسماعیل بن موسی ۷ نقل کرده که نشان‌دهنده اهتمام حضرت به احمد و احترام خدم و حشم ایشان به وی است. در برخی از کتب ملل و نحل، درباره اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت وی

۱. اعرجی، همان، ص ۴۲۷.

۲. شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.

پس از شهادت پدرش امام کاظم 7 اقوالی آمده است. روایتی در کتاب تحفه العالم به نقل از لب الانساب نیشابوری، نقل شده که پس از شهادت امام کاظم 7 جمعی از شیعیان به خانه احمد آمدند و با وی بیعت کردند، اما او آنها را به امام رضا 7 هدایت نمود و ایشان را جانشین پدرش معرفی کرد و بیعت با خود را بیعت با امام رضا 7 دانست.^۱ کشی نیز در رجال خود، به خروج احمد بن موسی 7 به همراه ابوالسرایا، پس از شهادت امام کاظم 7 اشاره مختصری کرده؛^۲ اما در سایر منابع، از جزئیات و چگونگی شرکت احمد در این قیام سخنی به میان نیامده است.

علامه سیدمحسن امین، از لب الانساب نیشابوری نقل کرده که احمد بن موسی در بغداد مقیم بود و پس از شنیدن خبر شهادت امام رضا 7، بسیار محزون گشت و به شدت گریست و برای خون‌خواهی امام، از بغداد خارج شد و به همراه سه هزار تن از نوادگان ائمه : علیه مأمون قیام کرد. زمانی که آنها به قم رسیدند، والی مأمون بر این شهر با آنها مقابله کرد و گروهی از آنان شهید و در همان جا دفن شدند و اکنون دارای زیارتگاه هستند. سپس به اسفراین در خراسان رسیدند و در زمین شوره‌زاری میان دو کوه توقف نمودند. لشکریان مأمون بر آنها حمله نمودند و با آنها محاربه کردند و احمد در آنجا شهید گردید و به خاک سپرده شد و قبرش در آنجا زیارتگاه است. برخی از نسب‌شناسان قبر و مزار او را در شیراز دانسته‌اند و این از اشتباهات عامه مردم است.^۳

متأسفانه امروزه نسخه‌ای از کتاب لب الانساب نیشابوری در دسترس نیست و لذا نمی‌توان درباره این کتاب اظهار نظر قطعی نمود. اما همان‌گونه که مرحوم

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: سیدیاسین، زاهدی، «احمد بن موسی 7»، سخن تاریخ، ش ۵، تابستان ۱۳۸۸، ص ۹۲-۹۵.

۲. محمد بن حسن، طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال الکثی)، ص ۷۱.

۳. سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۲.

سید محسن امین نیز اشاره کرده،^۱ این داستان بیش تر می تواند شبیه داستان های جعلی باشد که عقل آن را نمی پذیرد. شهید محراب قاضی طباطبایی نیز آن را به افسانه و خرافه نزدیک دانسته است.^۲

در تعدادی از منابع متأخر، از قبیل آثار العجم فرصت الدوله، بحرالانساب میرزا ملک الکتاب، هدیه احمدیه محمد جعفر شاملی و شب های پیشاور سلطان الواعظین، نیز به تفصیل از قیام احمد بن موسی ۷ به خون خواهی برادرش امام رضا ۷ و شهادت وی توسط حاکم شیراز، سخن به میان آمده^۳ که این اقوال نیز به کلی فاقد اعتبار تاریخی است و در منابع معتبر و کهن، هیچ گونه سخنی در این موضوع به میان نیامده است. سید محسن امین پس از اشاره به اشتها قبر وی در شیراز، می گوید: «اما سبب مجیئه الی شیراز و وفاته فیها فلم اطلع فیه علی شیء تطمئن به النفس»^۴

قاضی طباطبایی نیز آن را افسانه ای بیش ندانسته است.^۵ با این حال، در برخی منابع جغرافیایی قرن هشتم، به قبر وی در شیراز اشاره شده است.^۶ ابن زرکوب شیرازی (زنده در ۷۵۷ ق) و جنید شیرازی (زنده در ۷۹۱ ق) نیز حادثه اکتشاف قبر وی را در دوره امیر مقرب الدین مسعود بن بدر، وزیر اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی، نقل کرده اند. زرکوب شیرازی در این باره می گوید:^۷

امیر مقرب الدین مسعود بن بدر که از خاصگیان و مقربان اتابک ابوبکر بن سعد بوده، عمارتی در خاطر داشت و در آن جایگه، قبری یافته اند مکشوف

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. سید محمد علی، قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء ۷، ص ۳۲۵.

۳. برای آگاهی تفصیلی درباره این اقوال نک: جلیل، عرفان منش، چلچراغ شیراز: تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا ۷، ص ۸۶-۹۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۳۲۵.

۶. حمد الله مستوفی قزوینی، نزه القلوب، ص ۱۷۲؛ ابن بطوطه، رحله ابن بطوطه، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۷. ابن زرکوب شیرازی، شیرازنامه، ص ۲۵۵.

گشته، شخص مبارك او هم‌چنان در حال اعتدال، تغییر و تبدیل در او تأثیر ناکرده. خاتمی که در انگشت مبارکش بود، احتیاط فرموده‌اند منقش بوده به نام احمد بن موسی. افاضل و عقلاء و اعیان شیراز جمع گشته‌اند و تحقیق کرده، صورت در حضرت اتابک معروض داشته‌اند. اتابک ابوبکر، مشهدی بر آن‌جا ساخته و عمارتی فرموده و به مرور زمان اشتهار یافته... .

جنید شیرازی هم درباره احمد بن موسی 7 و چگونگی اکتشاف قبر وی نوشته است:^۱

قدم شیراز فتوفی بها فی ایام المأمون بعد وفاه أخیه علی الرضا بطوس وکان أجودهم وأرفهم نفساً قد أعتق ألف رقبه من العبيد والأماء فی سبیل الله تعالی وقیل استشهد ولم یوقف علی قبره حتی ظهر فی عهد الأمیر مقرب الدین مسعود بن بدر، فبنی علیه بناءً، وقیل وُجد فی قبره كما هو صحیحاً طری اللون لم یتغیر وعلیه فاضه سابغه وفی یده خاتم نُقش علیه: العزّه لله احمد بن موسی؛ فعرفوه به. ثم بنی علیه الاتابک ابو بکر بناءً ارفع منه. ...

با توجه به داستان یاد شده و با استناد به قول ابونصر بخاری که احمد بن موسی مبرقع فرزند امام جواد 7 از قم به شیراز انتقال یافت و در آن‌جا درگذشت و مدفون شد^۲، چند تن از پژوهش‌گران و صاحب‌نظران دوره اخیر احتمال قوی داده‌اند که قبر منسوب به احمد بن موسی 7 در شیراز، در واقع قبر احمد بن موسی مبرقع است.^۳

به طور کلی، به اقوال مربوط به قیام و شهادت احمد بن موسی 7 — چه در سفراین و چه در شیراز — این اشکال وارد است که اگر واقعاً چنین قیام بزرگ و گسترده‌ای صورت گرفته، پس چرا برخلاف دیگر قیام‌های بزرگ علویان، از دید

۱. شد الازار فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۲. سهل بن عبدالله، ابونصر بخاری، سر الانساب العلویه، ص ۱۴۷.

۳. تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء 7، همان؛ محمد مهدی، فقیه بحر العلوم، مزارات شیروان، ص ۶۳.

سایر تاریخ‌نگاران و علمای انساب، از جمله ابوالفرج اصفهانی نویسنده مقاتل‌الطالبین و نیز نویسنده منتقله‌الطالبیه و جز آن‌ها پنهان مانده است؟ با این حال، اگر بنا بر ترجیح بین یکی از این دو قول - اسفراین و شیراز - باشد، با توجه به این‌که امروزه هنوز زیارتگاه کهن منسوب به احمد بن موسی ۷ - که در لب‌الانساب نیز بدان اشاره شده - در اسفراین باقی است، باید قول شهادت و دفن احمد بن موسی ۷ در اسفراین را بر داستان شیراز ترجیح داد.^۱

۵. اسحاق

در همه منابع، به جز الهدایه‌الکبری، از وی یاد شده است. شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶) و ابن شهرآشوب (۴/۳۴۹) مادر وی را ام‌ولد دانسته‌اند. طبری (ص ۱۴۷) او و عبدالله را از يك ام‌ولد دانسته است. شیخ طوسی در رجال خود، او را از اصحاب امام رضا ۷ به شمار آورده است.^۲

۶. اسماعیل

شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶)، اسماعیل، جعفر، هارون و حسین را از يك ام‌ولد دانسته‌اند. اما ابن شهرآشوب (۴/۳۴۹)، نام حسین را حسن ذکر کرده که ظاهراً اشتباه است؛ زیرا او يك حسن دیگر هم برای امام ذکر کرده است. اسماعیل بن موسی ۷ فقیه و محدث جلیل‌القدری بود که از پدران و اجداد خود روایت نقل کرده است. علمای رجال برای او آثار بسیاری برشمرده‌اند که از آن جمله، به کتاب‌های الطهاره، الصلاه، الزکاه، الصوم، الحج، الجنائز، النکاح، الطلاق، الحدود، الديات، الدعاء، الرؤيا و السنن والآداب می‌توان اشاره کرد.^۳

۱. نک: محمد مهدی فقیه بحر العلوم، هزار مزار ایران: استان خراسان شمالی، ص ۴۱.

۲. ص ۳۵۲، ش ۵۲۱۹.

۳. محمد بن حسن، طوسی، فهرست، ص ۴۶؛ احمد بن علی، نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۶.

به نقل از رجال کثی، زمانی که صفوان بن یحیی در سال ۲۱۰ قمری در مدینه از دنیا رفت، حضرت امام جواد 7 کفن و حنوط برای او فرستادند و به عموی خود اسماعیل فرمودند تا بر جنازه او نماز گزارد.^۱ شیخ عباس قمی این روایت را در مدح اسماعیل بن موسی 7 کافی دانسته و از بهبهانی نیز در تعلیقه او نقل کرده است که کثرت تصانیف اسماعیل بر مدح او دلالت دارد. سپس درباره کتاب جعفریات وی توضیح داده که بر کتاب‌هایی در فقه و حدیث مشتمل است و تمام آن را از پدران بزرگوار خود از رسول خدا 9 روایت کرده و محدث نوری تمام آن را در مستدرک وسائل نقل کرده و در خاتمه مستدرک، آن را در نهایت اعتبار دانسته است.^۲ شیخ طوسی و نجاشی درباره او نوشته‌اند: او در مصر سکونت گزید و فرزندان او نیز در آن جا بودند.^۳

۷. جعفر

تمام منابع، از جمله شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶) او را برادر اسماعیل، هارون و حسین از یک ام‌ولد دانسته‌اند. کنیه وی ابوالحسن بود و به دلیل سکونت در یکی از روستاهای مکه به نام «خوار»، به جعفرالخواری شهرت داشت. فرزندانش با عنوان «خواریون» و نیز «شجریون» شناخته می‌شدند؛ زیرا در یکی از روستاهای اطراف مدینه به درخت‌کاری مشغول بوده‌اند.^۴ منابع معتبر درباره تاریخ و محل وفات وی سکوت نموده‌اند. به اعتقاد فقیه بحرالعلوم، سکونت وی در اطراف مکه بود و لقب او به «خواری»، از مهاجرت نکردن او به ایران حکایت می‌کند. از این رو، مدفون بودن وی در مکه یا مدینه بعید نیست.^۵

۱. اختیار معرفه الرجال (رجال الکثی)، ص ۷۹۲.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۱۵.

۳. طوسی، فهرست، ص ۴۵؛ رجال نجاشی، ص ۲۶.

۴. ابن عنبه، همان، ص ۲۶۶.

۵. محمدمهدی، فقیه بحرالعلوم، مزارات فاروج، ص ۶۳.

۸. جعفر اصغر

تنها ابن خشاب (ص ۲۲۳) و سبط ابن جوزی (۳۱۵) از وی یاد کرده‌اند.

۹. حسن

همه منابع از وی نام برده‌اند. ابن شهر آشوب (۳۴۹/۴) دو بار از وی نام برده که گویا بار دوم تحریف نام حسین است. بیهقی (ص ۳۹۴) نیز از یک حسن دیگر در شمار فرزندان یادی می‌کند که در وجود آنها شك وجود دارد. در رجال کشی روایتی نقل شده که حسن بن موسی ۷ برای يك مرد اعرابی، امام جواد ۷ را وصی پیامبر ۹ معرفی کرد.^۱ و این روایت نشان‌دهنده اعتقاد صریح وی به امامت آن حضرت است.

۱۰. حسین

خصیبی، بیهقی، ابن شهر آشوب و سبط ابن جوزی، از فرزندی به نام حسین یاد نکرده‌اند. بیهقی (ص ۳۹۴) و ابن شهر آشوب (۳۴۹/۴) نیز از دو حسن نام برده‌اند که شاید حسن دوم، تحریف نام حسین باشد. شیخ مفید (۲۴۴/۲) و طبرسی (۳۶/۲) حسین، اسماعیل، جعفر و هارون را از يك ام‌ولد دانسته‌اند. حسین بن موسی ۷ اخباری را درباره امام رضا ۷ نقل کرده که نشان‌دهنده علم غیب آن حضرت است.^۲ او هم‌چنین اقوال و احکامی را از پدرش امام کاظم ۷ روایت کرده که در کتب معتبر فقه و حدیث شیعه مانند کافی، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده است.^۳

۱. اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، ج ۲، ص ۷۲۸-۷۲۹.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۲۵-۲۲۶ و ۲۳۸.

۳. برای مثال نک: کلینی کافی، ج ۶، ص ۵۰۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۵.

درباره محل وفات و دفن وی در کتب انساب اختلاف نظر وجود دارد. ابن طباطبا می نویسد:

می گویند حسین بن موسی کاظم مقیم طبس بود و در آنجا درگذشت و قبرش همان جاست.

البته او در ادامه، از شیخ الشرف ابی حرب محمد بن محسن حسینی نقل کرده است که حسین بن موسی مقیم بغداد بود.^۱ رازی می گوید:

طبسی ها می پندارند که حسین بن موسی در طبس درگذشته است و قبر وی و فرزندان او در آنجا هستند.^۲ بقعه حسین در طبس تا به امروز پابرجا و از قدمت تاریخی بالایی برخوردار است.

در منابع دوره های بعدی و متأخر، از مدفن و شهادت او در شیراز سخن به میان آمده است. نخستین منابعی که از مدفن وی در شیراز سخن گفته اند، شیرازنامه ابن زرکوب شیرازی و شدالازار جنید شیرازی است که حادثه آشکار شدن قبر وی را به اختصار، اما تقریباً مشابه حادثه آشکار شدن قبر احمد بن موسی 7 روایت کرده اند. ابن زرکوب می نویسد:^۳

... امام زاده معصوم الحسین بن موسی در محلت باغ قتلغ از محلات شیراز افتاده و به گنبد باغ قتلغ اشتها دارد. در اوایل که شخص مبارکش ظاهر گشت، در ایام سلطنت اتابک بوده و بر سر قبر او گنبدی ساخته بود و به مرور ایام از حال خود بگردید، اما اسم گنبد بر آنجا برقرار باقی است.

جنید شیرازی حادثه آشکار شدن قبر وی را با تفصیل بیش تری آورده و خلاصه آن چنین است که حاکم شیراز به نام قتلغ خان، باغی داشت که سرایدار آن، شب های جمعه نوری را مشاهده می کرد که از تپه ای در میان باغ می تابید.

۱. نک: منتقله الطالیه، ص ۲۱۹.

۲. فخر رازی، همان، ص ۹۹.

۳. ابن زرکوب شیرازی، همان، ص ۲۵۶.

سرایدار باغ موضوع را به اطلاع قتلغ خان رساند و او دستور داد تا زمین را بشکافند. پس از شکافتن زمین، با جسدی تازه و سالم مواجه شدند که در یک دست خود قرآن و در دست دیگرش شمشیر گرفته بود. از نشانه‌های موجود، آن را متعلق به حسین بن موسی ۷ دانستند و به دستور حاکم، گنبدی بر فراز قبر وی ساختند.^۱

۱۱. حمزه

بیشتر منابع، از جمله شیخ مفید (۲/۲۴۴)، طبرسی (۲/۳۶) و ابن شهر آشوب (۴/۳۴۹)، حمزه و احمد و محمد را از يك ام‌ولد دانسته‌اند؛ اما طبری (ص ۱۴۷)، او و محمد و رقیه را از يك مادر می‌داند.

متأسفانه در منابع معتبر تاریخی، درباره جزئیات زندگی حمزه اطلاعات فراوانی به چشم نمی‌خورد. اما صاحب بن عبّاد در رساله‌ای که در احوال حضرت عبدالعظیم حسنی نگاشته، آورده است که عبدالعظیم حسنی در ایام حضور خود در شهرری، قبری را که امروزه در مقابل قبر خود اوست، زیارت می‌کرد و می‌گفت: «این قبر یکی از فرزندان موسی بن جعفر ۸ است».^۲ با توجه به این که این قبر از دیرباز به امامزاده حمزه فرزند امام کاظم ۷ شهرت داشته و بسیاری از علمای معاصر نیز با استناد به رساله صاحب بن عبّاد، از میان سایر مزارات منسوب به حمزه بن موسی ۷، این قبر را از آن وی دانسته‌اند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نامبرده در پایان عمر خود به صورت پنهانی به ری آمده و در این شهر از دنیا رفته است.

۱. جنید شیرازی، همان، ص ۲۶۰.

۲. متن رساله مزبور را محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) از يك نسخه مورخ ۵۱۰ قمری و به خط یکی از آلبابویه، در خاتمه مستدرک الوسائل آورده است. (نک: خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۵).

۱۲. داوود

در منابع تراجم ائمه، اشاره‌ای به وی نشده است و تنها نسب‌شناسانی نظیر عُمری (ص ۲۹۹)، رازی (ص ۷۷) و ابن عنبه (ص ۲۴۱) از وی نام برده‌اند.

۱۳. زید

وی به اجماع منابع^۱ ملقب به زیدالنار است. به نقل شیخ صدوق، وی بر عقیده زیدیه بود و در بغداد سکونت داشت.^۲ او در روزگار مأمون در بصره قیام کرد و خانه‌های بنی‌عباس را به آتش کشید و از آن رو، به زیدالنار شهرت یافت. او را دستگیر کردند و نزد مأمون در مرو بردند. امام رضا 7 او را شفاعت کردند و مأمون او را بخشید.^۳

ابن اثیر در ضمن حوادث سال ۲۰۰ قمری می‌نویسد:^۴

... سار علی بن سعید الی البصره، فأخذها من العلویین، وکان بها زید بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی 7 - وهو الذی یسمی زید النار - وإنما سمی بها لکثره ما أحرق بالبصره من دور العباسیین وأتباعهم. وکان اذا اتی رجل من المسوده احرقه وأخذ اموالاً کثیره من اموال التجار سوی اموال بنی العباس، فلما وصل علی الی البصره استأمنه زید فأمنه وأخذه. ...

به روایت شیخ صدوق، امام رضا 7 برادر خود زید را به علت کارهایش در

۱. تنها بیهقی او را در شمار فرزندان آورده که در وجودشان شک هست، با توجه به اخبار فراوانی که در منابع تاریخی درباره زید آمده، این امر از او عجیب می‌نماید! (نک: لباب الانساب واللقاب والاعقاب، ج ۱، ص ۳۹۴).

۲. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳. ابونصر بخاری، سر السلسله العلویه، ص ۵۴.

۴. ابن اثیر، همان، ج ۵، ص ۴۲۱.

بصره، به شدت سرزنش کردند. در روایت دیگری نیز آمده که مأمون زید را نزد امام رضا 7 فرستاد و به خاطر ایشان از خطاهای او گذشت و حضرت نیز با او تندی کردند. و سپس وی را آزاد ساختند و سوگند خوردند که تا زنده هستند با زید سخن نگویند.^۱

به گفته ابونصر بخاری، مأمون در آغاز زیدالنار را بخشید، اما سرانجام او را به واسطه خوراندن سم به قتل رساند و او در شهر مرو (امروزه در کشور ترکمنستان) از دنیا رفت.^۲ اما رازی، پس از نقل قول بخاری، با عبارت «ولا یصحّ ذلك» آن را رد کرده است.^۳ به روایت شیخ صدوق، زید تا آخر خلافت متوکل عباسی زنده بود و در سامرا از دنیا رفت.^۴

۱۴. سلیمان

شیخ مفید، طبرسی، طبری، عُمَری، رازی و ابن عنبه از وی نام برده‌اند؛ اما ابن-خَشَّاب، خصیبی و ابن شهر آشوب از وی نام نبرده‌اند. بیهقی (ص ۳۹۴) نیز او را در شمار فرزندان آورده که در وجودشان شك هست.

۱۵. عباس

تنها ابن خَشَّاب از وی یاد نکرده است. مرحوم شیخ عباس قمی درباره وی می‌نویسد: از ملاحظه نسخه وصیت‌نامه پدرش موسی بن جعفر 8 که در عیون اخبار الرضاست^۵، قَدَح در او و قَلَّت معرفتش به امام زمانش حضرت امام رضا 7 معلوم می‌شود.

۱. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۲. ابونصر بخاری، همان، ص ۵۴.

۳. فخرالدین رازی، همان، ص ۹۹.

۴. شیخ صدوق، ج ۲، همان، ص ۲۵۹.

۵. همان، ص ۴۲-۴۴.

هم‌چنین در ادامه از آقا سیدمهدی قزوینی در کتابش *فلك النجاه* چنین نقل می‌کند:

از اولاد ائمه دو قبری است مشهور در مشهد امام موسی 7 از اولاد آن حضرت لکن معروف نیستند و بعضی گفته‌اند که یکی از آن دو قبر عباس پسر امام موسی 7 است که در حق او قدح شده است.^۱

۱۶. عبدالرحمان

مفید، طبرسی، طبری و بیهقی از او نام نبرده، اما دیگران نام برده‌اند.

۱۷. عبدالله

شیخ در همه منابع به وجود وی اشاره کرده‌اند. طبری او و اسحاق را از یک مادر دانسته‌اند.^۲

بر اساس برخی منابع حدیثی شیعه، پس از شهادت امام رضا 7، جمعی از شیعیان که از شهرهای مختلف برای حج آمده بودند، به خانه امام جواد 7 رفتند تا ایشان را زیارت کنند. عموی آن حضرت عبدالله بن موسی 7 که در آن زمان پیرمرد مسنی بود و لباس خشنی بر تن داشت، پس از ورود امام به آن‌جا برخاست و از ایشان استقبال کرد و میان دو چشم ایشان را بوسید. حاضران از پایین بودن سن امام در حیرت بودند که در این هنگام مردی برخاست و از عبدالله سؤالی فقهی پرسید و او به آن مرد پاسخ داد. امام خشمگین شدند و به عبدالله عتاب کردند که از خدا بترسد و از این‌که در روز قیامت بازخواست گردد که چرا به آن‌چه نمی‌دانسته برای مردم فتوا داده است.^۳

۱. شیخ عباس، قمی، همان، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲. دلائل الامامه، ص ۱۴۷.

۳. شیخ مفید، اختصاص، ص ۱۰۲؛ این روایت در دلائل الامامه (ص ۳۸۹-۳۹۰) با تفصیل بیشتری نقل شده است.

۱۸. عبیدالله

به جز خصیبی، طبری و بیهقی، سایر منابع از وی نام برده‌اند.

۱۹. عقیل

خصیبی (ص ۲۶۳)، عُمری (ص ۲۹۹)، تاریخ (۱۰۶)، ابن خشاب (ص ۲۱۱)، ابن شهر آشوب (۳۴۹/۴)، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) و ابن عنبه (۲۴۰) از وی نام برده‌اند. اما شیخ مفید، طبرسی، طبری، رازی و بیهقی از وی نام نبرده‌اند.

۲۰. عمر

تنها ابن خشاب (ص ۲۱۵) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) به وجود فرزندى بدین نام برای امام کاظم ۷ اشاره کرده‌اند و ابن خشاب افزوده که به جای عمر، محمد نیز گفته‌اند.

۲۱. فضل

خصیبی، تاریخ و سبط ابن جوزی از وی نام نبرده‌اند و سایر منابع به وجود وی تصریح کرده‌اند. بیهقی (۳۹۴/۱) او را جزو فرزندانى برشمرده که در وجودشان شك هست.

۲۲. قاسم

منابع تاریخی بر وجود وی اجماع دارند. اما بیهقی (۳۹۴/۱) او را از فرزندانى یاد کرده که در وجودشان تردید وجود دارد. به عقیده برخی علمای شیعه، از برخی روایات وارد شده در منابع حدیثی، عنایت ویژه امام کاظم ۷ به قاسم، و

جلالت شأن وی برداشت می‌شود.^۱ از جمله یزید بن سلیط می‌گوید:
در راه مکه وقتی به حضور امام کاظم 7 رسیدم و از آن حضرت درخواست کردم که امام و جانشین بعد از خود را معرفی فرماید و تکلیف ما را برای پس از وفات خویش روشن نماید، امام فرمودند: «من قبل از بیرون آمدن از خانه درباره امام بعد از خود وصیت کرده‌ام. امام بعد از من علی 7 است. اگر اختیار تعیین امام به عهده من بود، فرزندم قاسم را معرفی می‌کردم؛ زیرا وی شخص لایقی است و من هم او را بسیار دوست می‌دارم؛ اما تعیین امامت بر عهده خداوند متعالی است و خداوند این مقام را در وجود هر کسی که لایق باشد و خود صلاح بداند قرار می‌دهد.^۲

بر اساس روایت دیگری، یکی از فرزندان امام کاظم 7 را حالت وفات روی داد. حضرت به قاسم فرمودند که برخیز و بر بالین برادرت سوره والصفافات بخوان. در اثنای خواندن سوره، برادرش از سکرات موت راحت شد و جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.^۳

منابع معتبر درباره تاریخ و محل وفات قاسم سکوت کرده‌اند. اما شیخ محمدمهدی مازندرانی حائری (م ۱۳۵۸ ق)، داستان مفصلی مبنی بر ماجرای فرار قاسم به حله و وفات او در این موضع نقل کرده؛^۴ اما این داستان در کتب معتبر تواریخ و انساب وجود ندارد.

۲۳. محمد

در همه منابع از وی یاد شده است. تنها سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) پس از

۱. شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۴۱۴-۴۱۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۱۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۲۶.

۴. نک: شجره طوبی، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲.

بیان اسامی فرزندان امام کاظم ۷ با افزودن عبارت «و محمد نیز گفته‌اند»، در پایان شمارش فرزندان امام کاظم ۷ و نیز ابن خَشَّاب با این عبارت که «به جای عمر، محمد نیز گفته شده»، به نوعی در وجود وی تشکیک کرده‌اند. محمد بن موسی ۷ در منابع و کتب انساب، به «محمد عابد» شناخته می‌شود. او پدر ابراهیم مجاب است که قبر وی در رواق حرم امام حسین ۷ قرار دارد. او نخستین کسی بود که در حائر حسینی سکونت نمود.

شیخ مفید از هاشمیه کنیز رقیه دختر امام کاظم ۷ چنین نقل می‌کند:

که محمد همواره با وضو بود و بسیار نماز می‌خواند. او شب‌ها مشغول وضو و نماز بود و چون از نماز فارغ می‌شد، لحظاتی استراحت می‌نمود و دوباره برمی‌خاست و مشغول وضو و نماز می‌شد و سپس اندک زمانی استراحت می‌کرد؛ او تا صبح این کار را تکرار می‌نمود. و هیچ‌گاه او را ندیدم مگر این که این کلام خداوند: (كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ)^۱ را به یاد می‌آوردم.^۲

در منابع معتبر، آگاهی چندانی درباره تاریخ وفات و محل دفن وی وجود ندارد. در منابع تاریخی قرن هشتم، از جمله شیرازنامه، شد الازار و نزهه القلوب، به قبر محمد در شیراز اشاره گردیده،^۳ اما در منابع پیش از قرن هشتم، به این قبر اشاره نشده است. منابعی نیز که به این قبر اشاره کرده‌اند، از زمان و چگونگی آمدن محمد عابد به شیراز سخن نگفته‌اند. بلکه بعضی از نویسندگان معاصر مانند علی اکبر تشید و سلطان‌الواعظین شیرازی، ادعا کرده‌اند که محمد عابد با کاروان احمد بن موسی ۷ به قصد دیدار حضرت رضا ۷ به ایران آمدند و کارگزار

۱. ذاریات، آیه ۱۷.

۲. شیخ مفید، همان، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳. نک: مستوفی قزوینی، همان، ص ۱۷۲؛ ابن زرکوب شیرازی، همان، ص ۲۵۶؛ جنید شیرازی، همان، ص ۲۹۲.

مأمون در شیراز به نام قتلغ خان با او به مقابله برخاست و بعد از جنگ شدید، آن دو به شهادت رسیدند.^۱ بی تردید داستان فوق به این دلیل که در منابع کهن و معتبر ذکر نشده، از ارزش و اعتبار تاریخی ندارد.

۲۴. مروان

تنها خصیبی (ص ۲۶۳) چنین نامی را ذکر کرده که البته به عقیده نگارنده این سطور، شاید تحریف نام هارون باشد که سایر منابع در شمار فرزندان امام کاظم 7 از وی یاد کرده‌اند، اما خصیبی به آن اشاره نکرده است.

۲۵. هارون

همه منابع به وجود وی اشاره کرده‌اند، (به جز خصیبی که البته می‌تواند در نسخه چاپی یا نسخه‌های خطی به نام دیگری تحریف شده باشد). بیهقی او را جزو فرزندان برشمرده که در وجودشان شك هست. همانند بیش‌تر فرزندان امام کاظم 7 در منابع معتبر درباره جزئیات زندگی و وفات وی اطلاعی در دست نیست.

۲۶. یحیی

شیخ مفید، طبرسی، طبری و بیهقی، از این فرزند یاد نکرده‌اند؛ اما سایر منابع از او در شمار فرزندان امام کاظم 7 نام برده‌اند. درباره وی آگاهی‌های چندانی وجود ندارد.

۱. سید یاسین، زاهدی، و محمدرضا، بارانی، «شرح حال پنج تن از فرزندان امام کاظم 7»، سخن تاریخ، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۰، ص ۵۰.

فرزندان دختر

منابع مختلف، آمار متفاوتی از تعداد دختران امام کاظم ۷ ذکر کرده‌اند. ابونصر بخاری (ص ۵۳)، برای آن حضرت تعداد ۲۲ دختر، شیخ مفید (۲/ ۲۴۴) و طبرسی (۲/ ۳۶) برای آن حضرت تعداد نوزده، و عُمری نَسابه (ص ۲۹۸) و ابن‌عنه (ص ۲۴۰) ۳۷ دختر برشمرده‌اند. ابن شهرآشوب (۴/ ۳۵۰) نیز تعداد دختران ایشان را نوزده گفته، اما از بیست فرزند نام برده و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۴ - ۳۱۵) نیز این تعداد را بیست دانسته اما از نوزده فرزند نام برده است. نویسندگان الهدایه خصیبه (ص ۲۶۴) و تاریخ اهل البیت (ص ۱۰۷ - ۱۰۸) از پانزده فرزند و دلائل الامامه از ۲۱ دختر یاد کرده‌اند.

با وجود این تعداد دختر، آگاهی‌های موجود درباره آنان بسیار کم‌تر از مطالب پراکنده موجود درباره پسران آن حضرت است. از این رو، تقریباً به جز برخی از دختران امام هفتم نظیر حضرت فاطمه کبرا، جزئیات زندگی بیش‌تر دختران، شامل مدت و محل زندگی و محل و تاریخ وفات، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. اسامی دختران بر اساس منابع بررسی شده در این پژوهش، عبارتند از:

۱. فاطمه (کبرا): ملقب به فاطمه معصومه^۱

به نوشته طبری (ص ۱۴۷)، حضرت فاطمه کبرا و حضرت علی بن موسی الرضا ۷ از يك مادر بودند. بر اساس کتاب معتبر تاریخ قم، پس از مهاجرت امام رضا ۷ به ایران، حضرت فاطمه کبرا نیز در پی ایشان در سال ۲۰۱ قمری به ایران مسافرت کردند. اما در میانه راه به علت بیماری در شهر قم از دنیا رفتند و

۱. از میان منابع تاریخی بررسی شده، عُمری نَسابه به جای فاطمه کبرا و فاطمه صغرا، دو فرزند دیگر برای امام به نام‌های امینه کبرا و امینه صغرا نام برده است! (نک: المجدی فی انساب الطالبین، ص ۲۹۸).

در قبرستان «بابلان» در محلی که امروزه آستانه معظم ایشان قرار دارد، به خاک سپرده شدند. تاریخ قم درباره ورود این بانوی بزرگوار به قم و وفات و خاکسپاری ایشان، چنین نوشته است:

دیگر از سادات حسینیّه از فرزندان موسی بن جعفر 8 که به قم آمدند، فاطمه بود دختر موسی بن جعفر 8. چنین گویند بعضی از مشایخ قم که چون امام علی بن موسی الرضا 7 را از مدینه بیرون کردند تا به مرو رود از برای عقد بیعت به ولایت عهد برای او فی سنه مأتین، خواهر او فاطمه بنت موسی بن جعفر 8 در سنه احدی و مأتین به طلب او بیرون آمد. چون به ساوه رسید، بیمار شد. پرسید که: «میان من و میان شهر قم چقدر مسافت است؟» او را گفتند که ده فرسخ است. خادم خود را بفرمود تا او را بردارد و به قم برد. خادم او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری فرود آمد و نزول کرد.^۱

و روایت درست آن است که:

چون خبر به آل سعد رسید، همه اتفاق کردند که قصد سستی فاطمه کنند و از او درخواست نمایند که به قم آید. از میانه ایشان موسی بن خزرج تنها هم در آن شب بیرون آمد و چون به شرف ملازمت سستی فاطمه رسید، زمام ناچه او بگرفت و به جانب شهر بکشید و به سرای خود او را فرود آورد، و هفده روز در حیات بود. چون او را وفات رسید، بعد از تغسیل و تکفین و نماز، موسی بن خزرج در زمینی که او را به بابلان بود - آنجا که امروز روضه مقدسه اوست - دفن کرد و بر سر تربت از بوریاها سایه‌ای ساخته بودند؛ تا آن‌گاه که زینب دختر محمد بن علی الرضا 7 این قبه بر سر تربت او بنا نهاد.

۱. حسن بن محمد بن حسن، قمی، تاریخ قم، ص ۳۰۸-۳۰۹.

و روایت کرد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه از محمد بن حسن بن احمد بن الولید که او را روایت کردند که چون فاطمه را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین، او را به مقبره بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند، حاضر آوردند. آل‌سعد با یکدیگر خلاف کردند که درباره آنک سزاوار آن است که در سرداب رود و فاطمه را بر زمین بنهد و دفن کند. پس از آن اتفاق کردند بر آنک خادمی به غایت پیر از آن یکی از ایشان قادر نام را حاضر گردانند تا فاطمه را در گور نهد و کسی را به طلب او بفرستادند. در میان این گفت‌گویی، از جانب قبله دو سوار برآمدند - دهن بریسته - و روی بدین مردم نهادند. چون به نزدیک جنازه فاطمه رسیدند، از اسب فرود آمدند و بر فاطمه نماز گزارند و در سرداب رفتند و فاطمه را دفن کردند. پس، از گور بیرون آمدند و برنشستند و برفتند و هیچ کس را معلوم نشد که آن دو سوار که بودند.

در منابع روایی شیعه، از جمله عیون شیخ صدوق و ثواب الاعمال وی و کامل الزیارة ابن قولویه، چندین روایت از امام صادق ۷، امام رضا ۷ و امام جواد ۷ در فضیلت زیارت ایشان وارد شده که نشان‌دهنده جلالت قدر و عظمت شأن ایشان است.

۲. آمنه

به جز ابن شهر آشوب، سایر منابع از او یاد کرده‌اند. اما آگاهی‌های زیادی درباره او به دست نداده‌اند. تنها عمری می‌نویسد: «گفته‌اند قبرش در مصر است.»^۱ در برخی منابع جغرافیایی اسلامی نیز به قبر وی در قراهه صغرا در قاهره اشاره شده است.^۲

۱. المجدی، ص ۲۹۹.

۲. علی بن ابی‌بکر، هروی، الاشارات الی معرفة الزیارات، ص ۳۶؛ یاقوت، حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲.

۳. اسماء

به جز شیخ مفید و طبرسی، سایر تواریخ ائمه از او یاد کرده‌اند.

۴. اسماء صغرا

تنها ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) به وجود فرزند دیگری به نام اسماء صغرا برای امام کاظم 7 اشاره کرده‌اند.

۵. امامه

خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸)، ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴)، ابن شهر آشوب (۳۵۰/۴)، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) و تاریخ (ص ۱۰۸) از وی یاد کرده‌اند.

۶. امّ اییها

تنها خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸) و ابن شهر آشوب (۳۵۰/۴) به وی اشاره کرده‌اند.

۷. امّ جعفر

شیخ مفید (۲۴۴/۲)، طبرسی (۳۶/۲)، طبری (ص ۱۴۷)، عُمری (ص ۲۹۸)، بیهقی (ص ۳۹۴) و ابن شهر آشوب (۳۵۰/۴) از دختری به این نام یاد کرده‌اند.

۸. امّ سلمه

به جز خصیبی، سایر تواریخ ائمه از وی نام برده‌اند.

۹. امّ عبدالله

خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸)، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵)، ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴) و تاریخ (ص ۱۰۷) از وی یاد کرده‌اند.

۱۰. امّ فروه

به جز شیخ مفید و طبرسی، سایر تواریخ به نام وی اشاره کرده‌اند.

۱۱. امّ القاسم

خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸)، ابن شهر آشوب (۳۵۰/۴)، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵)، ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴) و تاریخ (ص ۱۰۷) از وی یاد کرده‌اند.

۱۲. امّ کلثوم

همه تواریخ ائمه دختری برای امام کاظم ۷ به نام ام کلثوم برشمرده‌اند. اما ابن خَشَّاب (ص ۲۲۳) و عُمری (ص ۲۹۸ - ۲۹۹) برای حضرت سه ام کلثوم ذکر کرده‌اند. عُمری آن‌ها را ام کلثوم کبرا، وسطا و صغرا نامیده و درباره ام کلثوم صغرا افزوده است که او جعفر بن عبیدالله بن موسی ۷ - فرزند برادرش - را بزرگ کرد و لذا جعفر به ابن ام کلثوم شهرت یافت.^۱

۱۳ و ۱۴. امّ کلثوم وسطا و امّ کلثوم صغرا

تنها عُمری (ص ۲۹۹) و ابن خَشَّاب (ص ۲۲۳) از این دو نام برده‌اند.

۱۵. ام وحیه

تنها ابن شهر آشوب (۳۵۰/۴) چنین اسمی را ذکر کرده که شاید تحریف نام دختر دیگری از دختران امام کاظم ۷ باشد.

۱۶ و ۱۷. امینه کبرا و امینه صغرا

تنها عُمری (ص ۲۹۸) دخترانی را بدین نام برای امام هفتم برشمرده است.

۱۸. بُریهه

شیخ مفید (۲۴۴/۲)، طبرسی (۳۶/۲)، عُمری (ص ۲۹۸) و بیهقی (ص ۳۹۴)، برای امام کاظم ۷ دختری بدین نام برشمرده‌اند. البته نویسندگان دلائل الامامه

۱. المجدی، ص ۲۹۸-۲۹۹.

(ص ۱۴۷) نیز دختری به نام بویمه ذکر کرده که احتمالاً تحریف بریبه است.

۱۹. حسنه

شیخ مفید (۲۴۴/۲)، طبرسی (۳۶/۲)، عُمری (ص ۲۹۸) و بیهقی (ص ۳۹۴) به نام وی اشاره کرده‌اند. طبری (ص ۱۴۷) نیز برای آن حضرت دختری به نام حسینه ذکر کرده است.

۲۰. حکیمه

شیخ مفید (۲۴۴/۲)، طبرسی (۳۶/۲)، طبری (ص ۱۴۷)، ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴)، بیهقی (ص ۳۹۴)، ابن شهرآشوب (۳۵۰/۴) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) از وی یاد کرده‌اند. در تعدادی از کتب حدیث شیعه، روایاتی از ایشان نقل شده؛ از آن جمله روایت ابن شهرآشوب از این بانوی بزرگوار درباره جزئیات ولادت امام جواد 7 و کرامات دوره نوزادی ایشان است.^۱ شیخ کلینی نیز با سندی که به حکیمه منتهی می‌شود، روایت سخن گفتن امام رضا 7 با جنیان را نقل کرده است.^۲

۲۱. حلیمه

تنها خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸) و تاریخ (ص ۱۰۸) این نام را ذکر کرده‌اند. شاید حلیمه تحریف نام حکیمه از سوی ناسخان باشد.

۲۲. خدیجه

به جز خصیبی، سایر تواریخ ائمه که در این پژوهش بررسی شده‌اند از دختری بدین نام یاد کرده‌اند.

۱. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۴۲۵-۴۲۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۲۳. خدیجه صغرا

تنها عُمری (ص ۲۹۹) به نقل از آشنانی، علاوه بر خدیجه کبرا، دختر دیگری به نام خدیجه برای امام کاظم ۷ ذکر کرده است.

۲۴. رقیه

شیخ مفید (۲/۲۴۴)، طبرسی (۲/۳۶)، عُمری (ص ۲۹۸) و بیهقی (ص ۳۹۴)، به وجود وی اشاره کرده‌اند. طبری (ص ۱۴۷) از دو دختر به نام رقیه نام برده و یکی از این دو را خواهر حمزه و محمد از يك مادر دانسته است.

۲۵. رقیه (صغرا)

طبری (ص ۱۴۷) از دو دختر به نام رقیه نام برده و ابن شهرآشوب (۴/۳۵۰) تنها از دختری به نام رقیه صغرا نام برده و از رقیه کبرا یاد نکرده است.

۲۶. رمله

تنها عُمری (ص ۲۹۸) دختری بدین نام برای امام هفتم ذکر کرده است.

۲۷. زینب

در همه منابع از وی یاد شده است.

۲۸. زینب صغرا

تنها ابن خُشّاب (ص ۲۲۴) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) دختر دومی را به نام زینب برای امام قائل شده‌اند.

۲۹. صرخه

تنها خصیبی (ص ۲۶۴) از او نام برده است.

۳۰. عایشه

تنها شیخ مفید (۲/۲۴۴)، طبرسی (۲/۳۶)، عُمری (ص ۲۹۸) و بیهقی

(ص ۳۹۴) از دختری به این نام یاد کرده‌اند.

۳۱. عباسه

تنها طبری (ص ۱۴۷) و عُمری (ص ۲۹۹) از وی یاد کرده‌اند.

۳۲. عطفه

تنها عُمری نسابه (ص ۲۹۹) به نقل از اشنانی از دختری به این نام یاد کرده است.

۳۳. غلیه

همه منابع بررسی شده، از او نام برده‌اند.

۳۴. فاطمه (صغرا)

به جز خصیبی و عُمری، سایر منابع از او نام برده‌اند.

۳۵. فاطمه (وسطا)

تنها ابن خشاب (ص ۲۲۳) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) از وی یاد کرده‌اند.

۳۶. فاطمه (اخرا)

علاوه بر سه فاطمه قبلی، سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) فرزند چهارمی نیز به نام فاطمه برای امام کاظم 7 قائل شده است.

۳۷. قسمه یا قسیمه

تنها طبری (ص ۱۴۷) دختری را به نام قسمه برای امام ذکر کرده و عُمری (ص ۲۹۸) نیز با نام قسیمه از وی یاد کرده است.

۳۸. کلثوم

طبری (ص ۱۴۷)، عُمری (ص ۲۹۸) و ابن شهرآشوب (۳۵۰/۴) دختری به

نام کلثوم برای امام قائل شده‌اند و شیخ مفید (۲/۲۴۴) و طبرسی (۲/۳۶) از وی به نام کلثم یاد کرده‌اند.

۳۹. لبابه

به جز خصیبی، ابن خَشَّاب و تاریخ، سایر منابع از وی یاد کرده‌اند.

۴۰. محموده

خصیبی (ص ۲۶۴)، عُمری (ص ۲۹۸)، تاریخ (ص ۱۰۸)، ابن خَشَّاب (ص ۲۲۴) و سبط ابن جوزی (ص ۳۱۵) از وی یاد کرده‌اند.

۴۱. میمونه

به جز طبری، سایر منابع از او نام برده‌اند. البته طبری (ص ۱۴۷) از دختری به نام مصونه نام برده است که شاید تحریف میمونه باشد.

۴۲. نزیهه

تنها ابن شهر آشوب (۴/۳۵۰) این اسم را ذکر کرده که شاید تحریف بریهه باشد.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، تحقیق: محمد یوسف الدقاق، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۲. ابن بطوطه، محمد بن ابراهیم، رحله ابن بطوطه، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۳. ابن خَشَّاب بغدادی، عبدالله بن احمد، تاریخ الاثمه ووفیاتهم، تحقیق: ثامر کاظم

- الخفاجی، قم: مکتبه سماحه آیت الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، چاپ اول، ۱۳۸۹ش/۱۴۳۲ق/۲۰۱۱م.
۴. ابن زرکوب شیرازی، احمد بن ابی الخیر، شیرازنامه، به کوشش: محمدجواد جدی و احسان الله شکراللهی، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: یوسف البقاعی، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م.
۶. ابن طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر، منتقله الطالبیه، تحقیق: سیدمحمد مهدی الخراسان، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸م.
۷. ابن عنبه، احمد بن علی، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم: مکتبه سماحه آیت الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، چاپ اول، ۱۳۸۳ش / ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.
۸. ابونصر بخاری، سهل بن عبدالله، سرالانساب العلویه، (منشور ضمن: معالم انساب الطالبیین، عبدالجواد کلیدار آل طعمه، تحقیق: سلمان هادی آل طعمه) قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۸۰ش/۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م.
۹. _____، سر السلسله العلویه، تحقیق: القیسی مصطفی، بیروت: دار قابس، چاپ اول، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
۱۰. اعرجی، سیدجعفر، مناهل الضرب فی انساب العرب، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم: مکتبه سماحه آیت الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش/۱۴۳۳ق/۲۰۱۲م.
۱۱. امین العاملی، سیدمحسن، اعیان الشیعہ، تحقیق: حسن الامین، بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۶م.
۱۲. بیهقی (ابن فندق)، ابوالحسن علی بن ابی القاسم، لباب الانساب واللقاب والاعقاب، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی الکبری، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش/۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م.

۱۳. تاریخ اهل البيت 7، تحقيق: سيد محمد رضا حسيني، بيروت: مؤسسة آل البيت 7 لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م.
۱۴. جنيد شيرازي، معين الدين ابوالقاسم، شد الازار في حطّ الاوزار عن زوّار المزار، تصحيح: محمد قزويني و عباس اقبال، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
۱۵. حموي، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت: دارصادر، ۱۳۹۷ق/۱۹۷۷م.
۱۶. خصيبي، حسين بن حمدان، الهدايه الكبرى، بيروت: مؤسسه البلاغ، چاپ دوم: ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
۱۷. زاهدي، سيدياسين، احمد بن موسى 7، سخن تاريخ، ش ۵، تابستان ۱۳۸۸.
۱۸. _____، باراني، محمد رضا، شرح حال پنج تن از فرزندان امام كاظم 7 سخن تاريخ، ش ۱۲، بهار ۱۳۹۰.
۱۹. سبط ابن جوزي، يوسف بن قُرغلي بغدادی حنفي، تذکره الخواص، بيروت: مؤسسه اهل البيت، ۱۹۸۱ م.
۲۰. شيخ صدوق، محمد بن علي، عيون اخبار الرضا، تحقيق: حسين الاعلمي، بيروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م.
۲۱. شيخ مفيد، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحيح: علي اكبر الغفاري، قم: جماعه المدرسين في الحوزه العلميه.
۲۲. _____، الإرشاد في معرفه حجج الله على العباد، تحقيق: مؤسسه آل البيت 7 لإحياء التراث، بيروت: دارالمفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
۲۳. طبري، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامه، بيروت: مؤسسه الاعلمي، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.
۲۴. طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوري بأعلام الهدى، تحقيق: مؤسسه آل البيت 7 لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت 7 لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفه الرجال (رجال كشي)، تحقيق: سيد مهدي رجايي، قم: مؤسسه آل البيت 7، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. _____ ، تهذیب الاحکام، تحقیق: سیدحسن موسوی الخرسان، بیروت: دارصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۲۷. _____ ، رجال طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه، ۱۴۱۵ق.
۲۸. _____ ، فهرست، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۹. عرفان منش، جلیل، چلچراغ شیراز: تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا 7، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳۰. عُمری، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، تحقیق: احمد مهدوی دامغانی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
۳۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی العامه، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۲. فقیه بحرالعلوم، محمدمهدی، مزارات شیروان، قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳۳. _____ ، مزارات فاروج، قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۴. _____ ، هزار مزار ایران: استان خراسان شمالی، قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۵. قاضی طباطبایی، سیدمحمدعلی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا 7، قم: بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبائی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۳۶. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، مترجم: حسن بن محمد بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح: واحد تحقیق آستانه مقدسه قم، قم: زائر، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۳۷. قمی، عباس، منتهی الآمال، قم: هجرت، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح: علی اکبر الغفاری، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.

٣٩. مازندرانی حائری، محمد مهدی، شجره طوبی، نجف اشرف: المطبعه العلمیه، ١٣٦٩ ق.
٤٠. مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر، نزهة القلوب، به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، قزوین: طه، چاپ اول، ١٣٧٨.
٤١. نجاشی، احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. بی تا.
٤٢. النوری الطبرسی، حسین بن محمد تقی، خاتمه مستدرک الوسائل، تحقیق: مؤسسه آل البيت 7 لإحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت 7 لإحياء التراث، ١٤١٦ ق.
٤٣. هروی، علی بن ابی بکر، الاشارات الی معرفه الزیارات، تحقیق: جانین - سوردیل طومین، دمشق: المعهد الفرنسی، چاپ اول، ١٩٥٣ م.